

یک‌شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۹ • ۲ صفر ۱۴۴۲ • ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۰

اخبار

وقتی همه چیز یک معلم آموزش بچه‌ها است

برگزاری کلاس قرآن در پارک

این روزها که خبرهای تلخ و ناراحت کننده‌ای درباره ویروس منحوس کرونا می‌شنویم اتفاق‌های جالبی هم رخ می‌دهد که نشان می‌دهد با وجود کرونا هم می‌توان ضمن رعایت ضوابط بهداشتی به فعالیت‌ها ادامه داد.

امیرحسین کاکاراده معلم جوان قرآن کریم است که به تدریس قرآن و سرود بچه‌های دبستانی مشغول است که با شیوع کرونا و تعطیلی مدارس و مراکز فرهنگی دست از فعالیت تکشید و به فکر روش‌های جایگزین افتاد.

او ابتدا کلاس‌ها را به صورت مجازی برگزار کرد و به این صورت ضمن تدریس بی‌گیر ترین‌های بچه‌ها در منزل هم بود که این کار هنوز هم ادامه دارد.

این معلم جوان در حرکتی دیگر برای بچه‌هایی که امکان حضور در کلاس مجازی را هم نداشتند اقدام به تولید کلیپ‌های آموزشی کرد تا بچه‌ها با دیدن این کلیپ‌ها از آموختن قرآن کریم باز نمانند.

اما کاکاراده در باز هم دست از کار برنداشت و اخیراً با برگزاری کلاس‌های خود در فضای باز امر آموزش را دنبال می‌کند تا به این صورت لطمه‌ای به آموزش بچه‌ها وارد نشود.

این معلم قرآن درخصوص این اقدامش گفت: با شیوع کرونا امر آموزش در کشور با اختلال روبرو شد و حتی زیرساخت‌های خوبی هم برای آموزش مجازی وجود نداشت اما به این حال ما بلافاصله کار را در فضای مجازی آغاز کردیم و کلاس‌ها به صورت مجازی برگزار می‌شد.

وی ادامه داد: همه دسترسی برخی از دانش‌آموزان به نت و نداشتن گوشی هوشمند تلفن همراه سبب شد برخی نتوانند از کلاس‌های مجازی هم استفاده کنند، زیرا رده سنی بچه‌ها کمتر از ۱۰ سال است و نداشتن گوشی هوشمند برای سن آنها مناسب نیست و از طرفی هم والدین برخی از این عزیزان هر دو شاغل بودند از این رو امکان حضور برخی از بچه‌ها در کلاس مجازی وجود نداشت از این به فکر تولید کلیپ‌های آموزشی افتادم. این کلیپ‌ها برای والدین بچه‌ها ارسال می‌کند تا در ساعات حضور والدین در منزل بچه‌ها از آن استفاده کنند. همچنین برخی از این کلیپ‌ها به منظور استفاده عموک خانواده‌ها در خبرگزاری فارس منتشر شد. کاکاراده درباره جدیدترین اقدامش گفت: پس از چند ماه برگزاری کلاس‌ها به صورت مجازی احساس شد که نیاز است در جلساتی حضوری هم با بچه‌ها رفع اشکال کنم و هم دروسی که به دلیل حساسیت باید حضوری ارائه می‌شد را تدریس کنم. از این رو با هماهنگی با والدین مقرر شد دانش‌آموزان به صورت حضوری در فضای باز برگزار شود. نهایتاً با رعایت همه دستورالعمل‌های بهداشتی کلاس‌ها در یک پارک و البته با حضور و نظارت والدین برگزار می‌شود. این معلم قرآن درخصوص موضوعات کلاس‌ها گفت: این کلاس در قالب قسه‌های قرآنی و سرودهای مذهبی و قرآنی برگزار می‌شود که طی آن ابتدا سرودی کوتاه آموزش داده می‌شود و در ادامه قسه‌ای از قرآن به صورت مصور و نمایش گونه اجرا می‌شود و در انتها کلاس به فعالیت‌های دانش‌آموزی و بیان نکات قرآنی و سرگرمی‌های کودکانه می‌گذرد. همچنین یادگیری سوره‌های کوچک، بیان دانستنی‌های قرآنی و انجام تکالیف از دیگر برنامه‌های این کلاس است. وی از مشارکت مطلوب والدین در برگزاری این کلاس خبر داد و گفت: تمام امور و هماهنگی این کلاس به همت مادران گرامی بچه‌ها تدارک دیده شده است و من سهم ناچیزی در این راه دارم که جا دارد از آنها تشکر کنم.

همان‌طور که این معلم قرآن گفت مادران دانش‌آموزان نقش زیادی در برگزاری این کلاس‌ها به صورت حضوری داشتند از این رو در ادامه با چند نفر از اولیای دانش‌آموزان درخصوص این اقدام معلم قرآن گفت‌وگو کردیم. خاتم صداقت مادر محمدصدرا صداقت از جمله مادرانی است که انس با قرآن فرزندش را از دغدغه‌های مهمش عنوان کرد و گفت: دوست داشته‌ام به فرموده مولاابن اسمع کتم که در وصیتنام به معلمین علیه‌السلام تعلیم قرآن را مقدم بر هر عملی دانستند. انس با قرآن و ارتباط با قرآن و اینکه ذهن فرزندم قبل از هر چیز دیگری با مفاهیم و آموزه‌های قرآن عجین شود دغدغه‌ام بود، از این رو از مولا مدد خواستم این مسیر را برپایان فرامح کتم.دوی ادمه داد: به دنبال معلمی بودیم که خود عمل به قرآن باشد و در فضای روح و جان فرزندانتان تأثیر بگذارد و این مفاهیم را به آنان انتقال دهد و به لطف خدا معلمی در مسیر راهمان قرار گرفت که علاوه بر اخلاص و استنشان با قرآن چنان بر روح و قلب بچه‌ها نشستند که رابطی باشند برای پیوند قلب فرزندانتان با قرآن.این مادر درپاسخ به سوال که با وجود شرایط کرونا چرا آموزش قرآن فرزندتان این قدر مهم است؟ گفت: اگر چه شرایط، سخت و استرس و اضطراب هستند، اما وجودمان شده اما هیچ چیزی نمی‌تواند مانع رسیدن ما به اهدافمان باشد از این رو با کمک دیگر مادران شرایط را با اهدافمان جور کردیم و در محیطی امن و با رعایت کامل موازین بهداشتی به سمت تحقق اهدافمان رفتیم، خداوند هم شرایط را برپایمان فراهم کرد.خانم محققی مادر محمدصدرا محققی این دوران را دوران خیلی سختی برای خانواده‌ها و فرزندان دانست و گفت: بچه‌ها دوران طولانی را در خانه، دور از مدرسه و دوست‌دوران گذرانده بودند و از نظر روحی و عاطفی به ارتباط با دوستان و مریبانشان و دور بودن از فضای استرس‌زایی که بعماری ایجاد کرده و حضور در فضاهایی که معنویت آنها را تقویت کند نیاز داشتند. با وجوداینکه نسبت به سلامتی آنها نگرانی داشتیم و هنوز هم داریم ولی با توکل به خدا و به برکت همین قرآن، با رعایت شیوه نامه‌های بهداشتی و مسئله کلاس‌ها را برگزار می‌کنیم.

در دوران ۸ ساله دفاع مقدس، به غیر از تجهیزات نظامی مورد نیاز، تشکل‌های مردمی، حامی و پشتیبان جبهه‌ها برای تأمین مواد غذایی، لباس و … رزمندگان بودند. در طول این ۸ سال روزی نبود که از مساجد، حسینیه‌ها یا بازارهای سراسر کشور، کامیون‌هایی پر از کمک‌های مردمی به سمت جبهه‌ها راه نیفتند.

کمک‌های مردمی برای موادغذایی مردم عمدتا به شکل انواع کنسروها یا ارزاق خشک برای طبخ غذاهای ساده بود تا رزمنده‌ها با مصرف آن‌ها، برای ادامه نبرد و دفاع از خاک کشور توان لازم را داشته باشند.

در میان این کمک‌ها به تلاش یک گروه از جهادگران برای پخت چلوکیاب در میدان‌های نبرد برخوردیم؛ آن‌ها می‌خواستند رزمنده‌ها، غذای خوب بخورند؛ همین!

اعتباری که نانوایی و کمک به نیازمندان ایجاد کرده بود

اهالی خیابان آذربایجان تهران و نمازگزاران مسجد حضرت ولی‌عصر(عج) در دوران دفاع مقدس با کمک کاسب‌های محل، برای تهیه مواد غذایی و لباس تلاش خیلی زیادی کردند، اما یک بار که مرحوم سیدعلی حسینی‌پناه برای رساندن کمک‌ها به جبهه‌ها می‌رود، می‌بیند بهترین غذای رزمنده‌ها در نهایت، قیمه سیب‌زمینی است. آقاسید که علاقه زیادی به رزمنده‌ها داشته، تصمیم می‌گیرد در جمع یک گروه نه چندان حرفه‌ای که کارشان طبخ غذا نبوده، برای پختن چلوکیاب به جبهه‌ها برود! این گروه از کسبه، یک راننده مینی‌بوس و یک مکانیک تشکیل می‌شده که در نهایت برای طبخ کیاب می‌توانستند سر آتش بایستند و بنابراین تصمیم گرفتند برای جذب نیروهای لازم و متخصص با چلوکیابی‌های محل وارد مذاکره شوند. **«سیخ گریه احتیاج داریم!»**

مرحوم سیدعلی حسینی‌پناه در منطقه شمیرانات، نانوایی داشت، اما بعدها با نقل مکان به منطقه حشمت‌الدوله از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۲ نانوایی‌اش را در ملک مسجد حضرت ولی‌عصر(عج) برپا می‌کند. نان آقای حسینی‌پناه زیاندر محل بود؛ طوری که صف‌های چند متری به خصوص در روزهای که منتهای فعالیت بود، جلوی نانوایی‌اش تشکیل می‌شد. حتی از دربار برای تهیه نان قندی‌های مشهور او می‌آمدند و نان می‌بردند. شاطر محل، اعتبار زیادی بین مردم داشت و بعدها هم که نانوایی را به فرش‌فروشی تبدیل کرد، چون حواشش به نیازمندان بود، حرفش سنج سند بود؛ طوری که اگر برای کاری «با علی» می‌گفت، دیگران پشتش راه می‌افتادند.

فرزندش می‌گوید: «هر شب که بنا بود این جمع راهی منطقه شود، پدرم دوره می‌افتاد و با چلوکیابی‌های صحبت می‌کرد تا کباب‌زن و به قول قدیمی‌ها «سیخ‌گیر» خود را به جبهه‌ها بفرستند. کسبه هم وقتی می‌دیدند حاج‌آقا حسینی‌پناه پای کار است و هدف هم کمک به جبهه‌هاست، تعدادی از نیروهای خود را راهی می‌کردند. در این جمع ۱۸ تا ۲۰ نفر حداقل ۴ تا ۵ نفر سیخ‌گیر حضور داشت تا بتوانند به سرعت گوشت را به سیخ بزنند و آماده کیاب شدن کنند.»

فرزند آقاسید ادامه می‌دهد: «زمان حضور در به منطقه به افراد اعلام می‌شد که اگر سابقه و تجربه کار در کبابی را دارند، به این گروه کمک کنند که هر دفعه دو – سه نفر هم این چنین می‌آمدند.»

آماده کردن ۸ هزار سیخ کباب در ۱۶ ساعت
برنامه گردان چلوکیابی‌ها از این قرار بود که ابتدا با جذب کمک‌های مردمی و به خصوص کسبه، هزینه لازم برای خرید حداقل ۳۵ گوسفند و یک گوساله‌ی محل و اطراف، افرادی را جذب می‌کردند و در نهایت با مینی‌بوس قرمز آقا سیدعلی میرعبدالطیمی (عظیمی) که در آن زمان ۲۷ سال فرزند آقاسید کنارک ۲۰ شهریور تعطیل شد، استاندار سیستان و بلوچستان اعلام کرد که نیروی هوایی شرط‌گذاری این فرودگاه نظامی را تعطیل پروژه شهر فرودگاهی چابهار دانسته است بنابراین فرودگاه کنارک ۲۶ شهریور پس از آنکه مسافران بین‌المللی در این منطقه انجام می‌شود و این اتفاق برای اولین بار نیست هر چند وقت یک بار مسئولان فرودگاه نظامی کنارک پروازهای این فرودگاه را لغو و بازگشایی آن را بدون زمان اعلام می‌کنند.

شهر فرودگاهی چابهار یک پروژه عظیم است که شامل هتل و پروازهای بین‌المللی است بنابراین با کارکرد نظامی فرودگاه کنارک تفاوت دارد. همچنین این فرودگاه قرار است تا پایان سال ۱۴۰۰ ساخته شود. اما پروازهایی که اکنون در کنارک انجام می‌شود نه تنها بیشتر داخلی و نظامی است بلکه پروازهای بین‌المللی آن نیز محدود به یکی دو کشور شده است.

از طرفی منطقه آزاد چابهار با کنارک حدود ۵۰۰ کیلومتر فاصله دارد. مزیت آزاد بودن منطقه چابهار این بود که بتواند ورود کالا و گردشگر را تسهیل کند در واقع گردشگران می‌توانستند مانند همه مناطق آزاد دیگر، بدون ویزا وارد این منطقه شوند اما از آنجا که فرودگاه کنارک در فاصله‌ای دور از چابهار قرار دارد نمی‌تواند چنین امکانی را ایجاد کند. بنابراین دولت، یک فرودگاه بین‌المللی فارغ از امکاناتی که شهر فرودگاهی خواهد داشت، می‌تواند به توسعه منطقه آزاد چابهار کمک بسیار زیادی کند. اما به واقع چرا چنین امکانی به شهر چابهار داده نمی‌شود و هر بار به دلایل مختلف این پروژه مسکوت نگه داشته می‌شود؟

این درحالی است که همه متولیان دولتی در پی توسعه این شهر از استان محروم سیستان و بلوچستان هستند به عنوان مثال توسعه سواحل مکران و یا رشد صنعت گردشگری همواره از تأکیدات متولیان بوده است، مقام معظم رهبری نیز بارها بر توسعه سواحل مکران تأکید داشته‌اند. مغایرت با سیاست‌های توسعه منطقه تعطیلی فرودگاه نظامی کنارک و در پی آن شرط‌گذاری فرودگاه با لغو پروژه شهر فرودگاهی چابهار با سیاست‌های کلی توسعه این منطقه مغایرت دارد. این موضوع مورد انتقاد نه تنها گردشگران این منطقه بلکه فعالان و سرمایه‌گذاران گردشگری آن نیز هست. منوچهر ملک زاده یکی از سرمایه‌گذاران صنعت گردشگری در چابهار است. به واکنش به لغو پروژه راه اندازی شهر فرودگاهی چابهار گفت: چابهار به عنوان یک منطقه آزاد تجاری به فرودگاهی نیاز دارد که بین‌المللی باشد و پروازهای خارجی در آن انجام شود. ما هنوز در حوزه حمل کالا و ورود گردشگران به منطقه آزاد و انجام پروازهای خارجی مشکل داریم. چون فرودگاه نزدیک به این

جنگ به «گردان چلو کبابی‌ها» هم احتیاج داشت

دو سیخ کوبیده برای ناهار رزمنده‌ها!



داشت، راهی جبهه‌ها می‌شدند. عظیمی در این باره می‌گوید: «به محض ورود در یک منطقه اول از گردان‌های حاضر و تعداد رزمنده‌ها ارزیابی انجام می‌دادیم و به فرماندهان و مسوولان پشتیبانی گردان‌ها اعلام می‌کردیم، بنا داریم فردا ناهار چلوکیاب بدهیم. خود این اعلام، تعجب فرماندهان را در پی داشت، اما استقبال خیلی زیادی هم از این غذا می‌کردند. در نهایت برای آماری در حدود ۸ تا ۱۰ هزار نفر با ارزیابی آشپزها، گوسفند و گوساله از همان منطقه می‌خریدیم. بعد از نماز مغرب و عشاء ذبح گوسفندها و گوساله را شروع و بعد گوشت‌ها را چرخ می‌کردیم. این کار تا نصف شب ادامه داشت. بعد شروع به سیخ زدن کباب‌ها می‌کردیم. واقعا کار هر کسی نبود. ما حدود ۱۶ ساعت سرپا کار می‌کردیم؛ چون زدن ۸ هزار سیخ کباب کوبیده به ذهن آدم هم نمی‌آید. حتی کسی که کارش هم هست، باور نمی‌کند اما سیخ‌گیرهای حرفه‌ای که همراه گردان بودند، با عشق و علاقه این کار را انجام می‌دادند.»

کار که خالص باشد، خدا برکت می‌دهد

تصور کنید ۸ هزار سیخ کباب بناست آماده شود و به مرور روی ذغال و آتش روغن بیندازد! در این کار باید جایی برای نگهداری این همه سیخ کباب آماده شده وجود داشته باشد تا نوبت به کباب کردن برسد. برای نگه داشتن این سیخ‌ها، رزمنده‌های گردان چلوکیابی‌ها دست به یک ابتکار زدند. عظیمی می‌گوید: «اولین بار که راهی جبهه‌ها شدیم با یک واتر رقتم سراغ جهاد سازندگی و گفتم زه چوبی می‌خواهم. گفتند چندتا احتیاج دارید؟ من گفتم کل واتر را بر کنید و آن‌ها هم ان‌قلتی نیاوردند و کلی زه چوبی به من دادند. با زه‌ها به صورت افقی و عمودی، پایه‌هایی درست کردم و روی هم کنار دیوار تا چند متر بالا بردم و سیخ‌ها را روی آن‌ها چیدم. مشابه طبقاتی که این روزها در چلوکیابی‌ها وجود دارد، با چوب درست کردم تا پنج‌گذارتا تا بعدش برود روی منقل. این ابتکار و خلاقیت‌ها را خدا می‌رساند؛ چون کار ما مخلصانه بود. برای پختن کباب روی منقل نیز حداقل ۴ نفر بالای سر یک منقل ۲۰ متری می‌ایستادند تا مراقب باشند، کباب‌ها نسوزد.»

دو سیخ کوبیده نوش جان هر رزمنده
گردان چلوکیابی‌ها در مجموع ۳ روز در یک منطقه حاضر می‌شد. روز اول به بررسی تعداد رزمنده‌ها و خرید گوسفند و گوساله می‌گذاشت. روز دوم ناهار چلوکیاب می‌دادند و در نهایت روز سوم نیز بارها را جمع کرده و به تهران برمی‌گشتند. آن‌ها در مجموع ۴۰ مرتبه راهی مناطق مختلف جبهه اعم از دوکوهه، قمرشیرین، سرپل‌ذهاب و … شدند که اولین بار به منطقه دوکوهه اعزام شدند. عظیمی می‌گوید: «در دوکوهه در یک آشپزخانه مستقر شدیم و به آشپزها اعلام کردیم شما برای ناهار فردا فقط زحمت برنج را بکشید. ما بنا داریم برای رزمنده‌ها کباب کوبیده بپزیم. به فرماندهان و مسوولان پشتیبانی گردان‌ها هم اعلام

او زمانی که در تهران و پشت جبهه‌ها بود، مدام دنبال رفع نیاز رزمنده‌ها و یا کمک رساندن به نیازمندان بود. عظیمی می‌گوید: «روزی به مغازه رفتم و دیدم حالش گرفته است. به ما گفتم ناراحتی حاجی. گفت امروز دستم نداشتام، گفتم حاجی الان یک طاقه ۶ متری معامله کردید. با گفتم گفت: منظور من این دشت‌ها نیست. کار خیری نکرده‌ام. برای نماز به مسجد رفتیم، بعد از نماز جوانی کنار حاجی نشست و در گوشش مطالبی گفت. او بلافاصله دسته چک‌اش را درآورد و برایش مبلغی نوشت. به او سقلمه‌ای زدم که بالاخره ویزا پشت دشت کردید! حاجی با همان مدل خاص خود گفت: بله!» این رفتار مهربانه و دستگیری‌های مرحوم سیدعلی حسینی‌پناه او را در جبهه‌ها به «حاجی کبابی» معروف کرده بود و محبوب رزمنده‌ها بود.

کباب زدن زیر باران خمسه خمسه

جوانان بسیاری از مسجد حضرت ولی‌عصر(عج) به شهادت رسیدند که یکی از آنها شهید احمد جهانبخش فرمانده لشکر ۴۲ قدر بود که لشکر مهندسی جبهه‌ها محسوب می‌شد. بعد از شهادت احمد از حاجی حسینی‌پناه و گردان چلوکیابی‌ها دعوت کردند تا در آن‌جا کباب بپزند. فرزند حاجی حسینی‌پناه که در آن زمان نوجوان ۱۵ ساله‌ای بود و همراه‌شان راهی شده بود، می‌گوید: «کاروان ما از مسجد راه افتاد و همراه ما جمعی از اعضای هیأت دیوانگان حسینی شامل حاج منصور ارضی، حاج حسن خلیج، حاج مجید چمنی و … هم بودند که به آبادان رفتیم. عراقی‌ها منطقه را با خمسه خمسه معروف خود می‌زدند، اما گردان در تاریکی شب در یک گازار مکانیکی کباب زد و میان رزمنده‌ها توزیع کرد.»

نخواهستم دل آشپزهای گردان بشکند
اخلاق حاجی در جبهه‌ها زبائزد بود. غلامحسین شیخی قمصری از اعضای گردان چلوکیابی‌ها می‌گوید: «در یکی از اعزام‌ها بنا داشتیم به یک منطقه برویم، اما راه را گم کردیم. در سیاهی شب با مینی‌بوس پیش‌می‌رفتیم؛ بعد از اطراف حدس زدیم به منطقه عراقی‌ها نزدیک می‌شویم. به سرعت دور زدیم و برگشتیم و خدا را شکر آن‌ها ما را ندیدند. به منطقه رزمنده‌های خودی رسیدیم. از آن‌ها سوال کردیم شام خوردید؟ گفتند نه! حاجی گفت روزی این رزمنده‌هاست. از اطراف حدس زدیم به منطقه عراقی‌ها نزدیک می‌شویم. به سرعت دور زدیم و برگشتیم و خدا را شکر آن‌ها ما را ندیدند. به منطقه رزمنده‌های خودی رسیدیم. از آن‌ها سوال کردیم شام خوردید؟ گفتند نه! حاجی گفت روزی این رزمنده‌هاست. بساط کباب را اینجا پهن می‌کنیم. حاجی با تعدادی از بچه‌ها برای خرید گوشت رفت و ما نیز در آشپزخانه مشغول آماده‌سازی کباب شدیم. به محض رسیدن حاجی، چند جنگنده دشمن رسیدند که مقرر از بزند. نیروهای خودی رگباری از تیر راه انداختند و آن‌ها موفق نشدند و رفتند. ما گوشت‌ها را برای چرخ کردن آماده می‌کردیم که یک‌باره حاجی آمد و گفت: «کار تعطیل است، گوشت‌ها را بگذارید و برویم» ما بدون حرفی پذیرفتیم و بساط را جمع کردیم و راه افتادیم. در مینی‌بوس حاجی گفت: آشپزهای این گردان از اهل تسنن بودند. تصور کردند ما بنا داریم جای آن‌ها را بگیریم. به همین خاطر دلخور شدند. نخواستم دل آن‌ها بشکند.»

اگر عاقبت بخیری می‌خواهی دستگاه امام حسین(ع) را ترک نکن
خبرخواهی و کمک‌رسانی حاجی حسینی‌پناه این روزها در میان نمازگزاران و مسوولان مسجد حضرت ولی‌عصر(عج) همچنان پابرجاست و آشپزخانه این مسجد برای کمک به نیازمندان فعال است. در شرایط کنونی کشور نیز مسجدی‌ها، بسته‌های ارزاق برای نیازمندان تهیه می‌کنند. حسینی‌پناه با اشاره به خوابی که از پدرش دیده می‌گوید: «پدرم به آشپزخانه امام حسین (ع) بسیار اعتقاد داشت که حتی به من توصیه می‌کرد اگر می‌خواهی عاقبت به خیر شوی این دستگاه و آشپزخانه را رها نکن. خواب ایشان را دیدم که جلوی در آشپزخانه ایستاد

پدرم با اسب سفیدی سمت در پشتی آمد و یک بغل پول هم با خودش داشت. از اسب پیاده شد و فریاد زد: سیدمحمد! یا! بنا این پول‌ها را بگیر و در این آشپزخانه خرج کن. مرتبه‌ای دیگر نیز خواب ایشان را دیدم و پرسیدم کم به ما سر می‌زند! که ایشان گفت: من اینجا خیلی سرم شلوغ است و باید کارهایی را در جهنم و بهشت انجام دهم. ماجرا را از عالمی در قم جویا شدم. او گفت: روح پدرتان در برزخ آزاد است و گویی در آن دنیا نیز در حال دستگیری از افراد برای رفع مشکلاتشان است.»

حاج سیدعلی حسینی‌پناه متولد سال ۱۳۰۰ بود که سال ۱۳۸۰ به جمع شهدا پیوست. خانه او دی و در پشت زهراي تهران، در قطعه ۸۰ قرار دارد. اگر گذشت در هفته دفاع مقدس به بهشت زهرا افتاد، سراغ «حاجی کبابی» جبهه‌ها هم برود.



منطقه یعنی فرودگاه کنارک خراج از منطقه آزاد است بنابراین بارهایی که از دویی و یا کشورهای اطراف می آیند اگر در منطقه آزاد وارد نشود، قاچاق محسوب می‌شوند. در حالی که اگر شهر فرودگاهی در چابهار وجود داشته باشد، پروازهای مستقیم بین‌المللی در این منطقه انجام می‌شود و گردشگران نیز می‌توانند برای چنچ ویزا به این محدوده سفر کرده و بدون ویزا مدتی را در منطقه گردش کنند.

وی در ادامه بیان کرد: ما با کمبودهایی نیز در فرودگاه کنارک مواجه بودیم در حالی که وجود شهر فرودگاهی این کمبودها را رفع می‌کند. همچنین ارتباط بین آب‌های گرم با وجود یک فرودگاه بین‌المللی ایجاد خواهد شد. چابهار می‌توان با کشورهای آسیای میانه، پاکستان، هند عمان، امارات، قطر و کشورهای همسایه ارتباط گردشگری و اقتصادی داشته باشد.

انتظار ما پیشرفت شهر چابهار است ما هتل و پروازهای چارتری ایجاد کردیم تا شاهد رونق این شهر باشیم چون معتقدیم هر چه امکانات بیشتری وجود داشته باشد، پروازهای خارجی نیز بیشتر خواهد شد اما اکنون پروازهای عمان و قطر نیز دیگر به کنارک نمی‌آیند. باید تمام تلاش خود را کنیم تا هر چه سریع‌تر شهر فرودگاهی ایجاد شود چون یکی از راه‌های پیشرفت اقتصادی ایجاد راه‌های ارتباطی و توسعه راه‌هاست. مانند راه آهن، فرودگاه یا جاده‌های دوبانده و اسکله. فرشید عیدوزهی نیز:از سرمایه‌گذاران گردشگری چابهار و مدیر یکی از هتل‌های این منطقه آزاد در یادداشتی انتقادی در واکنش به موضوع تعطیلی چند روز پیش فرودگاه کنارک و لغو پروژه شهر فرودگاهی چابهار نوشت: این مسئله غمناک می‌شود ما بیشتر از اینکه از تحریم‌های بیرونی و ظالمانه آسیب ببینیم، متأثر از تنگناهای داخلی هستیم، مصداق عینی تعطیلی فرودگاه نظامی کنارک بود در شرایط کنونی تحریم‌های جهانی، اقتصاد ما را به شدت دستخوش تغییر قرار داده و با محدودیت‌هایی مواجه شده‌ایم، اما باز هم فعالان اقتصادی در تلاش هستند تا کشور روی پای خود بایستد و شعار جهش تولید محقق شود. لکن در این دوره زمانی می‌بینیم به جای اینکه تلاش فعالان اقتصادی ارج نهاده شود و حمایت شوند، تحریم‌های داخلی رخ نمایان می‌کند و بدیهی‌ترین شرایط کسبوکار هم از فعالان اقتصادی دریغ می‌شود.

فرودگاه ایران‌شهر جایگزین منابعی نیست عیدوزهی همچنین درباره فرودگاه ایران‌شهر نیز نوشت: شاید گفته شود که فرودگاه ایران‌شهر می‌تواند تقاضای پروازی چابهار را پوشش دهد. افرادی که این نظریه را مطرح می‌کنند، یا در مسیر چابهار به ایران‌شهر تردد نکرده‌اند یا خود را به خواب می‌زنند. اغراق نیست اگر بگوییم مسیر

اخبار

به مناسبت شهادت حضرت رقیه (س) **دهمین نمایش از سری نمایشهای عروسکی قندک و نبات تولید شد**

همزمان با ایام شهادت حضرت رقیه (س) دهمین قسمت از سری نمایش عروسکی قندک و نبات در فرهنگسرای رازی تولید شد. **به گزارش امتیاز**، در این نمایش قندک و نبات دو عروسک شیطان دودوستداشتنی که خواهر و برادر هستند به همراه پدر بزرگ و مادر بزرگشان به مرور وقایع این ایام و شهادت حضرت رقیه (س) می‌پردازند و تلاش می‌کنند این واقعه حساس و مهم را با زبانی کودکانه به مخاطبینشان که کودکان مهد و پیش دبستانی هستند انتقال دهند.

علاقه مندان می‌توانند برای دیدن نمایش عروسکی مذکور به اینستاگرام فرهنگسرای رازی به آدرس **www.farhangsara_razi** و کانال آپارات منطقه به آدرس،**www.aparat** و **www.farhangsara_razi.com**مراجعه و یاد صورت تمایل به کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۵۵۴۲۰۵۵۵تماس بگیرند.

پناهیان در همایش ملی مجازی فعالان عرصه اربعین سخرانی می‌کنند

حجت الاسلام صالح پورمند، مسئول امور بین‌الملل جامعه ایمانی مشعر با اشاره به برگزاری همایش ملی مجازی فعالان عرصه اربعین اظهار کرد: جامعه ایمانی مشعر هر ساله این همایش را به صورت حضوری با شرکت درشور هیأت‌داران و موکب‌داران ایرانی و عراقی برگزار می‌کرد ولی امسال با توجه به شرایط موجود امکان برگزاری حضوری آن وجود نداشت.

وی با بیان اینکه امسال این همایش در روز یکشنبه ۳۰ شهریورماه از ساعت ۵ به صورت مجازی آغاز خواهد شد، عنوان کرد: اربعین و فرصت‌های پیش‌رو برای ایران و عراق محوریت اصلی برگزاری این همایش است.

مسئول امور بین‌الملل جامعه ایمانی مشعر با اشاره به اینکه عراقی‌ها هرساله می‌گفتند موکب‌های ایرانی برای الزانن ایرانی برپا می‌شوند، اظهار کرد: امسال چند موکب سلامت به منظور رفع این موضوع راهی عراق می‌شوند. وی افزود: اربع مسجدی سفیر ایران در عراق، حجت الاسلام علیرضا پناهمیان، حاج حسین یکتا، هاشم علی حیدری، رحیم آبروش و داود صالحی از جمله سخنرانان این همایش در قم خواهند بود که به صورت مجازی برای حاضران در سطح کشور پخش می‌شود.

پورمند از اهمیت برگزاری اربعین باشکوه در ایران یاد کرد و گفت: هرسال از چند روز مانده به اربعین گروهی از مداحان شاخص و چندین میلیون نفر برای زیارت عراق می‌شدند و این شکوه را در آن کشور رقم می‌زدند اما با توجه به اینکه امسال راهیمایی اربعین در ایران نیز وجود ندارد باید دنبال راهکاری برای باشکوه برگزار کردن این مراسم باشیم.

مسئول امور بین‌الملل جامعه ایمانی مشعر در پایان با اشاره به اینکه دعوت نامه این همایش برای بیش از دو هزار و ۵۰۰ نفر ارسال شده است که تاکنون حضور هزار نفر به صورت مجازی قطعی شده است، خاطرنشان کرد: برگزاری فرصت ویژه پیاده‌روی ایران و عراق، اطلاع رسانی دقیق و همسازای مدیران هیأت‌ها، تحلیلی آخرین وضعیت فرهنگی سیاسی عراق، تقویت مواسات و همدلی و تبیین ایده‌ها و ظرفیت‌های اربعین در ایران ازجمله مباحثی است که در این همایش مورد بحث قرار می‌گیرد.

چاپ دوازدهم کتاب «مربع‌های قرمز» در آستانه انتشار تقرظ رهبر انقلاب

چاپ دوازدهم کتاب «مربع‌های قرمز» به هفتۀ دفاع مقدس رسید.

این کتاب روایتی است از بازیگوشی‌های کودکانه سربازان امام خمینی(ره) تا روزهای امدادگری و شناسایی و چشیدن طعم تلخ قطننامه.

«مربع‌های قرمز» ناگفته‌هایی از جنگ و سبک زندگی جهادی حاکم بر روزهای جنگ، سبک بندگی کردن آنها که صفحه به صفحه رشد کردند و پایشان به آسمان باز شد. ناگفته‌های نوجوانانی که از بازی و شیطنت در خیابان چهارمردان قم و نشستن پای درس اخلاق آیت‌الله احمدی میانجی از پشت خاکریزهای جبهه سر در آوردند؛ کتابی سرشار از رفاقت‌های آسمانی و پر از ترش و شیرین‌های جنگ، لبریز از نقطه راه‌بی و انقطاع و پر از مربع‌های قرمز و سراسر آرزوی شهادت.

برشی از کتاب:

یادم نیست روز عید غدیر بود یا چندروز بعد که آقامهدی به مقر آمد. حضورش برپایمان حکم عیدی را در آن زمین داشت. نشی که کسی در نمی‌آمد. روی عید من خنک به خط نستعلیه بودیم. آقامهدی می‌گفت و بغض به گلویمان چنگ می‌انداخت. دورمان را کوه‌های بلند گرفته بود. باد خودش را از روی آب سد بین صف‌های بچه‌ها جا می‌کرد و مورمورمان می‌شد. عملیات پاسگاه زید لو شده بود. آقامهدی سرش را زیر انداخته بود و برپایمان توضیح داد. چه قدر تشنه آتش بودیم. باین خیر بچه‌ها را به خاک دوختند. کوه‌های دورمان تبدیل به غصه شد و روی دلمان نشست. حال آقامهدی هم بهتر از ما نبود:

– راه شهادت هنوز باز است. این عملیات نشدت نمی‌کرد دلاری‌مان دهد. دیدم که چندنفر بین صف‌ها اشکشان را با سرشان‌شان پاک کردند. فرکش را هم نمی‌کردیم عملیات لغو شود. آقامهدی هنوز امید داشت. خواست جمع باشند برای لشکر یک امتیاز است آن هم نیروهای آموزش‌دیده و آماده عملیات مثل ما. اگر می‌رفتیم به این راحتی نمی‌شد جمعمان کنند.